



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

احکام؛ حج، عمره و زیارت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: احمد

تاریخ: ۱۳۹۵/۵/۱۷

نظر مبارک آقایان حضرت منصور هاشمی خراسانی در خصوص طواف نساء چیست؟ اگر کسانی از برخی مذاهب این طواف را انجام ندهند آیا همسرانشان بر آنان حرام می‌شوند؟ در این صورت، تکلیف کودکانی که از آن‌ها به دنیا می‌آیند چیست؟

دیگر اینکه آیا مقام حضرت ابراهیم علیه السلام حقیقت دارد؟ و زیارت آن واجب است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۵/۲۳

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. طواف دوم در پایان مناسک حج و طبق برخی روایات در پایان مناسک عمره به جز عمره‌ی تمتع، بنا بر نظر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واجب است و نظر آنان بنا بر حدیث متواتر ثقلین کاشف از نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و تبعاً حجت محسوب می‌شود؛ خصوصاً با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾^۱؛ «سپس باید آلودگی‌هایشان را بزدایند و نذرهایشان را وفا کنند و خانه‌ی کهن را طواف نمایند»، با توجه به اینکه از یک سو زدودن آلودگی‌ها شامل استفاده از بوی خوش، پس از طواف اول حلال است و از سوی دیگر «تطوف» به تکرار طواف إشعار دارد و آن با طوافی دیگر پس از طواف اول حاصل می‌شود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: لَا يَتِمُّ حَجُّ أَحَدِهِمْ حَتَّى يَقْضِيَ تَفَثَهُ وَيُوفِيَ نُذُورَهُ وَيَطُوفَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ طَوَافَيْنِ»^۲؛ «شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید:

۱. الحج/ ۲۹

۲. گفتار ۷۷، فقه‌ی ۱

حجّ هیچ یک از آنان تمام نمی‌شود تا آن گاه که آلودگی‌هایش را بزدايد و نذرهایش را وفا کند و دو بار خانه‌ی کهن را طواف نماید».

این طواف دوم در روایات اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم «طواف نساء» نامیده شده است؛ زیرا بنا بر نظر آنان با این طواف زنان بر مردان حلال می‌شوند، ولی سایر علمای مذاهب آن را با این نام نشناخته‌اند، بل از طوافی با نام «طواف وداع» یاد کرده‌اند که به نظر بیشتر آنان واجب است، بی‌آنکه نقشی در حلال شدن زنان بر مردان داشته باشد؛ چراکه به نظر آنان، همه‌ی محرّمات ناشی از إحرام، با طواف اوّل حلال می‌شوند. با این وصف، به نظر می‌رسد که «طواف نساء» و «طواف وداع»، یک عمل با دو نام مختلف است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ طَوَافِ النِّسَاءِ فَقَالَ: وَاجِبٌ وَكَانَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمَالِكِيَّةِ، فَقَالَ الرَّجُلُ: وَمَا طَوَافُ النِّسَاءِ؟ فَقَالَ لَهُ الْمَنْصُورُ: يُرِيدُ طَوَافَ الْوِدَاعِ! قَالَ الرَّجُلُ: أَهْوُوْ وَاجِبٌ؟ قَالَ: نَعَمْ إِلَّا عَلَى الْحَائِضِ إِذَا خَافَتْ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی طواف نساء پرسیدم، پس فرمود: واجب است، در حالی که مردی از مالکیّه نزد او بود، پس مرد گفت: طواف نساء چیست؟! منصور به او فرمود: منظورش طواف وداع است! مرد گفت: آیا آن واجب است؟! فرمود: آری، مگر بر زن حائض هرگاه (از جا ماندن) بترسد».

بنابراین، کسانی که این طواف را انجام می‌دهند، خواه آن را «طواف نساء» بنامند و خواه آن را «طواف وداع»، حجّ خود را اتمام می‌کنند و می‌توانند به همسران خود نزدیک شوند، بل کسانی که آن را از روی جهل به وجوبش انجام نمی‌دهند نیز به سبب نزدیکی با همسران خود زناکار نیستند؛ چراکه نزدیکی با همسر -حتی با علم به إحرام- زنا محسوب نمی‌شود، بلکه موجب کفّاره است و با این وصف، بدون شک فرزندان آنان حلال‌زاده هستند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ، فَقَالَ: يُهْرِقُ دَمًا وَيَطُوفُ! قُلْتُ: إِنَّهُ قَدْ طَافَ طَوَافَ الْحَجِّ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ طَوَافَ النِّسَاءِ! قَالَ: أَيْعَلَمُ طَوَافَ الْوِدَاعِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَيَطُوفُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ»^۲؛ «از منصور درباره‌ی مردی پرسیدم که با همسر خود نزدیکی می‌کند پیش از آنکه طواف نساء را انجام دهد، پس فرمود: خونی می‌ریزد و طواف می‌کند! گفتم: او طواف حج را انجام داده است و از طواف نساء آگاهی ندارد! فرمود: آیا از طواف وداع آگاهی دارد؟ گفتم: بله، فرمود: پس طواف می‌کند و بر او چیزی نیست».

۱. گفتار ۷۷، فقره‌ی ۲

۲. گفتار ۷۷، فقره‌ی ۳

۲. مقام ابراهیم علیه السلام در مسجد الحرام، از آیات بینات است؛ چنانکه خداوند فرموده است: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ»؛ «در آن آیات بیناتی (چون) مقام ابراهیم است» و بر طواف کنندگان واجب است که پشت آن را نمازگاه قرار دهند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»؛ «و از مقام ابراهیم نمازگاهی بگیرید»، ولی آیا موضع آن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موضع کنونی بود؟ در این باره دو روایت است: بنا بر روایتی، موضع آن موضع کنونی بود، ولی در زمان عمر بن خطاب به سبب سیلی به کعبه پیوسته شد و او آن را بنا بر محاسبه‌ی مردی به نام مطلب بن ابی وداعه‌ی سهمی به موضع آن که موضع کنونی است برگرداند^۳ و بنا بر روایتی دیگر، موضع آن موضع کنونی نبود، بلکه به کعبه پیوسته بود و عمر بن خطاب آن را از روی اجتهاد خود، به موضع کنونی منتقل کرد^۴. البته هر یک از این دو روایت صحیح باشد، نماز در موضع کنونی اشکالی ندارد؛ چراکه قطعاً در پشت مقام ابراهیم علیه السلام است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب شاهنشاهی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. آل عمران / ۹۷

۲. البقرة / ۱۲۵

۳. أخبار مكة للأزرقي، ج ۲، ص ۳۳

۴. المدونة لمالك بن أنس، ج ۱، ص ۴۵۲؛ تاریخ مکه المشرفة لمحمد بن أحمد المكي، ص ۱۲۸